

تسلیتی برای صدا

سجاد سیزواری

www.ketab.ir

سبزواری، سجاد، ۱۳۵۸-
تسلیتی برای صدا/ سجاد سبزواری.
مشهد: شاملو، ۱۳۹۰.

۸۰ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۲۰-۶

فیفا.

شعر فارسی - قرن ۱۴.

۱۳۹۰ ۴۲۵ پ/۸۷ PIR

۸۶۱/۱۲

۲۳۱۴۴۲۴

تسلیتی برای صدا

سجاد سبزواری

طرح روی جلد: اثری از استاد منوچهر معتبر

حروفچین: میثم رسولی

لیتوگرافی: پارسا

چاپخانه: مهر توس

چاپ اول، بهار ۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۶-۲۲۰-۶

انتشارات شاملو

نشانی: مشهد - خیابان جنت - بین جنت ۶ و ۸ - پلاک ۱۶۴

تلفن: ۲۲۱۰۸۵۷ - همراه: ۰۹۱۵۱۱۱۵۶۰۸

www.shamloopub.com

shamlo.pub@gmail.com



فهرست

- با موسیقی به خواب می رود ۱۱
- آنجا که تویی ۱۲
- هر چه کمک خواستیم ۱۳
- قاب عکست بزرگ بود و ۱۴
- مچاله می شوم از دستم با وزن تو ۱۵
- تکیه داده ام به تخت ۱۶
- به آخر بازی رسیده ام ۱۸
- فکر کردی که گم شدی ۱۹
- چه فرقی می کند عابر؟ ۲۰
- بی سواد بود اما ۲۱
- نمی توانست بگیرد ۲۲
- خنده های دخترم زیباست ۲۳
- تاریخ ۲۴
- برای دیدنت ۲۵
- دیوار مقاومت ضعیفی ست ۲۶
- از بی نهایت صفر است ۲۷
- شخصی در تو می گرید ۲۸
- نزن ۲۹
- کریج سوت قطاری به گوش ۳۰
- مثل دیروز ۳۱
- عاشق نشو! ۳۲
- با یک خیز بلند پرواز کرد ۳۴
- و فکر کند ۳۷
- غسل می کرد ۳۸
- چه می کنی مورچه؟ ۳۹
- درست وسط بازار عبدالحمید ۴۰
- مثل خانه سازی های یک کودک ۴۲
- دوستم اگر می داشت ۴۳
- در زانویم بودا نشسته بود و ۴۴

- از دور دست ها ۴۵
- اتاق بی ساعت را چقدر دوست داشتم ۴۶
- لک و پیس ها ۴۷
- کمرنگ شده ای ۴۹
- مهم نیست ۵۰
- همیشه دوست داشتم ۵۱
- پوستری بر دیوار ۵۲
- نیاز به لغات تازه نیست ۵۳
- کنار هم بودند و ۵۴
- به خانه آوردش ۵۵
- بیایه هم نرسیم ۵۶
- اجدادمان ۵۷
- نور را هر طرفه که می گرفت ۵۸
- تا خروج دروغ از پشت ابر ۵۹
- مرگ از بالا آمد ۶۰
- حالا که ۶۱
- در دهانش ۶۴
- مدرسه ۶۵
- مرا نه آتش و آب ۶۷
- رو در روی آینه ایستادی و ۶۸
- رفته ای ۷۱
- برگ حرف می زند ۷۲
- مثل حس دسته کلاغ بی شعوری ۷۳
- به تو فکر می کنم ۷۴
- دست تو ۷۵
- نگران تو بودیم ۷۶
- پارس می کنند ۷۷
- کلاغ ضربدر کلاغ ۷۸

به جای مقدمه

این چند خط را نه به عنوان مقدمه که کاری پدرسالارانه و نگاه از بالاست و نه به عنوان معرفی آنچنان که معمول است و بیشتر معرفی خود معرفی کننده است تا معرفی اثر و صاحب اثر، بلکه به عنوان یک مخاطب عادی که کارهای متفاوت و غیرعادی را دوست دارد می نویسم و سجاد سبزواری را به خاطر نگاه ویژه و پرسشگرش به زندگی و توجه نوع دیگرش به دغدغه های انسان امروز دوست دارم.

او به سلیقه مخاطبش توجه نمی کند، در عوض به شعور خواننده شعرهایش احترام ویژه ای می گذارد و بر خلاف بعضی از توقعات شعر سنتی ما که بر اساس یک نسخه قدیمی و خواب آور که هر سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند، به جای اینکه با مخاطبانش ریاکارانه همدلی کرده و از سر استیصال برایشان دعا بخواند، به دور از پیچیدگی های فاخرانه و ژست فلسفی، تجربیات ذهنی خود را منتقل کرده و در کنار لذت ببری و غافلگیری با ایجاد پرسشگری با آنها همفکری کرده و برای برون رفت از یکنواختی کسل کننده زندگی، با آنها همراه می شود.

رحیم رسولی